**در دین اسلام براي كودكان چگونه تربیتی سفارش شده است؟**

پاسخ:

با سلام سپاس از ارتباط تان با این مرکز  
نخست باید به دو نکته مهم و بنیادی در امر تربیت توجه شود :  
نکته اول:  
تربیت کودک فرایندی طولانی و به هم پیوسته دارد. امر تربیت و آغاز وظیفه مادری و پدری پیش از نزدیکی و انعقاد نطفه شروع می شود ، زیرا نوع غذاهایی که والدین می خورند ، هم در نطفه (منی و اسپر ماتوزئید مرد و اوول زن)تأثیردارد و هم در روح و روان آنان. در نتیجه روحیات والدین و ویژگی های نطفه شان از طریق ژن به فرزند منتقل می شود. چنان که حالات زن و شوهر هنگام نزدیکی از جهت اخلاقی ،روحی و روانی،شادی و غم،سلامت و بیماری ،اضطراب و آرامش روحی و مانند آن در سرنوشت فرزند آینده اش تأثیر دارد.  
حتی رعایت یا عدم رعایت آداب نزدیکی کردن ،زمان ،مکان ،کیفیت انجام عمل نیز در سلامت جسم و روان فرزند مؤثر است. تربیت کودک پس از تولد شروع نمی شود، بلکه خیلی پیش تر از نزدیکی و بسته شدن نطفه آغاز می گردد.از این رو در روایات اسلامی آمده است هنگامی که قصد ازدواج دارید، ببینید با چه کسی و خانواده ای وصلت می کنید.محصول ترکیب نطفه مشترک شما چه می شود و صاحب چگونه فرزندی خواهید شد؟  
نکته دوم:  
انسان چون موجودی دو بعدی و شامل جسم و روح است .این دو تأثیر متقابل بر یکدیگر دارند. از این رو نگاه مربی و پدر ومادر باید به هر دو بعد معطوف شود .  
کودکی از حساس ترین و سرنوشت ساز ترین دوره زندگی انسان است. شخصیت انسان و اساس خصوصیت های اخلاقی وی در ابتدای کودکی خصوصاً در سنین مقدماتی عمر پی ریزی می شود. علاقه‌ زیاد به یادگیری و انعطاف پذیری در مقابل رفتار پدر و مادر و اطرافیان ویژة مرحله خردسالی و قبل از قدم گذاشتن به دبستان است. به همین دلیل، همه معلومات، عادت ها و ویژگی های اخلاقی که در این دوره به دست می آید، ریشه دار و محکم در روح کودک باقی می ماند . بنای اصلی شخصیت و چارچوب وجودی او را تشکیل می دهد . بر همان اساس شخصیتش شکل می گیرد.  
"بنابر تحقیقاتی که به وسیله دانشمندان رفتارشناس صورت گرفته ، بیش تر نابسامانی ها و بزهکاری های رفتاری در بزرگسالان، نتیجه تربیت غلط و برخورد ناصحیح در دوران اولیّه رشد و آغاز سال های زندگی است. در واقع، اساس و پایه اصلی شکل گیری شخصیت انسان در دوران هفت سال اوّل زندگی است؛ همان دوران حساسی که کودک در کنار والدین به سر می برد".(1)  
امیرالمؤمنین(ع) به همین نکته تربیتی اشاره دارد که به امام حسن(ع) می فرماید: "دل کودک چون زمینی خالی است که هر بذری در آن پاشیده شود، می پذیرد، پس من پیش از آن که قلبت سخت و فکرت به امور دیگر مشغول شود، به ادب و تربیت تو مبادرت ورزیدم".(2)  
از حکیمی پرسیدند: از چه زمانی تربیت را باید آغاز کرد؟ حکیم گفت: از بیست سال قبل از تولد. (3)  
پس به نظر دقیق، تربیت کودک حتی سال ها قبل از تولد طفل آغاز می شود، یعنی والدین قبل از فرزند دار شدن، زمینة رشد و هدایت را در خود ایجاد کنند و برای پدر و مادر شدن خود را آماده نمایند.  
کودک از رفتار و کردار پدر و مادر و بزرگ تر ها الگو بر می دارد. افرادی که درون منزل به امور تعبدی و دینی پای بندند، معمولاً دارای فرزندانی چنین خواهند شد. تربیت فرزند به تکرار نصایح و سماجت در موعظه نیست. هیچ چیز به اندازه عمل کارساز نیست. فرزند وقتی ببیند پدر یا مادرش در منزل بد زبانی می کند، دارای زبانی تند خواهد شد، پس باید علت بسیاری از ناهنجاری هایی را که در وجود فرزندان مان است، از رفتار و اعمال خود بدانیم. اگر پدر می خواهد فرزندش نماز اوّل وقت را غنیمت بشمرد، نیازی ندارد به این که او را با زور و تهدید وادار به این کار کند. اصلا در این مورد به حرف و موعظه نیازی نیست . بدون آن که چیزی بگوید، خود باید برخیزد .با اعتقاد بر این کار عبادت کند تا ثمره اش را در وجود فرزند ببیند.  
با توجه به مطالب فوق ، بخشی از مهم ترین وظایف پدر و مادر نسبت به کودکان چنین است:  
1ـ احترام به کودک:  
یکی از وظایف مهم والدین، احترام به شخصیت کودک است. رسول اکرم(ص) می فرماید: "اکرموا اولادکم و أحسنوا آدابهم؛ به فرزندان تان احترام کنید و با آداب و روش پسندیده با آن ها معاشرت نمایید"(4)  
کودکانی که در دوران قبل از دبستان از امنیت و محبت کافی برخوردار نمی شوند، آسیب هایی بر آن ها وارد می شود که به ندرت در دوره های بعد قابل جبران است.  
2ـ توجه به استقلال طلبی کودکان:  
بذر استقلال طلبی از سال های آغازین زندگی کودک شروع به رشد و جوانه زدن می کند . پدر و مادر زمینه را برای رشد متعادل این میل فراهم می آورند . آزادی های لازم را به او بدهند. البته آزادی باید محدود باشد.  
روش های آزادمنشانه به کودکان و نوجوانان حق انتخاب و گزینش می دهد . زمینه را برای خلاقیت و شکوفایی استعدادهای نهفته آنان فراهم می سازد. کنترل و تذکر بیش از حدّ، تأثیر معکوس داشته و اعتماد به نفس کودک و نوجوان را از بین می برد.(5)  
3ـ پرورش شخصیت کودکان:  
والدین با روش های مختلف می توانند شخصیت کودکان خود را پرورش دهند که مهم ترین آن، سلام کردن و هم بازی شدن با آن ها است. رسول اکرم(ص) می فرماید: "من کان له ولدٌ صبا؛ هر که کودکی دارد، باید خود را تا سر حدّ کودکی تنزل دهد".  
دو عامل دیگر تربیت فرزند (دوران مدرسه و اجتماع) چون عامل اوّل قرار دارند، هر چند از اهمیت لازم برخوردارند اما مواظبت اوّلیه، در هوشیاری فرزند تأثیر بسزایی دارد. نیز مواظبت در دوره مدرسه و انتخاب دوستان مناسب و افرادی که صلاحیت اخلاقی بالایی دارند، بر امنیت خاطر می افزاید تا وقتی وارد اجتماع شود، دغدغه خاطری پیش نیاید.  
4 -اظهار محبّت :  
اولین نیاز روانی کودک و نوجوان مهر و محبت و دوست داشتن آن ها است . هر کودک و نوجوانی برای داشتن احساس امنیت ، باید مورد محبت قرار گیرد. ابراز محبت ، موجب دلگرمی و علاقه مندی به شما و زندگی خواهد شد. احساس امنیت در نوجوان سبب می شود زمینه پیوند شما با او توسعه یابد . در این رابطه رفتار صحیح دینی را بیاموزد. رابطه مهرآمیز همراه با گذشت و مدارا، با همگان و به خصوص با کودکان و نوجوانان قوی ترین و پرجاذبه ترین و سازنده ترین رابطه ها است .(6)البته زیاده روی در محبت برای فرزند زیانبار است.  
5-جهت دهی مثبت به احساسات :  
کم اهمیت جلوه دادن اشتباهات و تقدیر از رفتارها و کارهای ارزشی و پسندیده آنان ، سبب می شود که آن ها به خود دلگرم شوند، احساس ارزشمندی نمایند. تقویت احساسات و ارزش های مثبت ، یکی از مؤثرترین عوامل برای جهت دهی به گرایش های دینی فرزندان محسوب می شود.  
6- درونی کردن ارزش های دینی و اخلاقی :  
آموزش مفاهیم دینی و یافتن بینش صحیح یک چیز است و پذیرش و عمل کردن به آن چیز دیگر است . باید سعی نمود نوجوان و جوان به صورت خودآگاه عامل به دستورات اخلاقی ودینی شود . دین باوری و عشق و علاقه به ارزش های دینی از درون او بجوشد ، در این صورت رفتارهای مذهبی و دینی ، ماندنی و پایدار خواهد شد.(7)  
روش آشنا سازی با خدا ،نماز ،قرآن ومسایل مذهبی:  
الف - روش آموزش مفهوم خدا به کودک:  
در حدود سه- چهار سالگی بچه‌ها نام خداوند را یاد می‌گیرند . اگر رفتار افراد خانواده جنبه مذهبی داشته باشند ، کودک مذهب و رفتار مذهبی را می‌آموزد. کودک در ابتدا به دنبال قوی‌ترین فرد است . چون از نوزادی مادر نیازهایش را رفع نموده ،می‌پندارد مادر محکم ترین تکیه‌گاه است ؛ ولی به زودی می‌فهمد مادر از خیلی چیزها می‌ترسد . چون پدر از آن ها نمی‌ترسد ، پدر را تکیه‌گاه و قوی‌ترین آدم می‌یابد ،ولی پدر هم از بعضی چیزها می‌ترسد . در این زمان است که از ما می‌پرسد: کی قوی‌ترین است؟ به او می‌گوییم: «خدا» . این خدا کجاست؟ به او می‌گوییم :بزرگ تر که شدی، برایت می‌گویم چون کودک سه- چهار ساله در مرحله تفکر ابتدائی است .فقط آنچه را می‌بیند، قبول دارد، نمی‌توان به او گفت: خدا نادیدنی است و همه جا هست.  
کودک 6 ساله : عاشق خدا  
به تدریج که بزرگ تر شد ،خدا را به او چنان معرفی می‌کنیم که بچّه‌ها از او خوش شان آید. از لطف و کرم خدا، مهربانی و قدرت خدا و زیبا دوستی او می‌گوییم . درباره بهشتی که به نیکوکاران وعده داده ، سخن می‌گوییم . در این سال‌ها هرگز از قهرخدا و جهنم گناهکاران چیزی نگویید.  
کودک 6 ساله به موضوعات مذهبی علاقمند می‌شود . عاشق دعا، نماز و نیایش می‌شود . دوست دارد برای او داستان‌هایی درباره خداوند بگوئید . دوست دارد درباره پیامبران و امامان حرف بزنید و از آن ها برای شان داستان‌هایی تعریف کنید.  
کودک 7 ساله : اثبات وجود خدا  
امّا بعد نوبت به کنجکاوی می‌رسد .هفت ساله‌ها از خداوند می‌پرسند . در مقایسه با شش ساله‌ها بیش تر خواهان اثبات وجود خدا می‌شوند . کودک هفت ساله بر خلاف یک سال قبل سوالاتی را در مورد دیدن خدا، شکل خدا و غیره می‌پرسد . سوالات آن ها نباید به حساب سرکشی یا تمایلات ضد مذهبی قلمداد شود ، بر عکس سوالات آن ها بیش تر نشانه علاقه آن ها به موضوع است.  
به کودکان می‌گوییم همه موجودات در مورد خدا و خالق خویش فکر می‌کنند .هر موجودی تصور می‌کند خدا شکل اوست . ما هم که انسانیم ،فکر می‌کنیم شاید خدا مثل ما دو دست و پا و به صورت ما باشد، ولی نه تصور آن ها درست است و نه فکر ما . برای همین هیچ‌کس نمی‌داند خدا چه شکلی است . اگر خدا موجودی بود که شکلی داشت و می‌شد او را دید ، همه جا نبود . اگر پیش ما بود، دیگر پیش پدرت و یا بقیه‌ مردم که جاهای دور هستند، نبود و می‌دانیم که خدا همه جا هست. برای همین خدا دیده نمی‌شود.  
در مورد مسائل مذهبی هرگز اعمال فشار نکنید . دیکتاتوری و زور پاسخ معکوس می‌دهد .بچه‌ها اگر نمازشان را می‌خوانند، آن ها را تشویق کنید . سعی کنید از دین و مسائل دینی جز خاطرات خوش در ذهن شان چیزی باقی نماند . زمانی که از کودکی به فرزندان خود درک درستی از خدا بیاموزیم ، در زندگی هرگز احساس تنهائی نمی‌کند، چون به یقین می‌دانند خدا حامی آن هاست و در سخت‌ترین لحظات با آن هاست.  
بی‌اعتقادی به خدا احساس تنهائی به وجود می‌آورد که خود سرچشمه اختلالات روانپزشکی است.  
برای کسب اطلاعات بیش تر به منابع زیر مراجعه کنید:  
1ـ نقش علم در تربیت دینی، محمد داوودی، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (قم)  
2ـ تربیت اعتقادی، محمد داوودی، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (قم)  
3ـ درآمدی بر نظام تربیتی اسلام، محمدعلی حاجی ده‌آبادی، مرکز جهانی علوم اسلامی (قم)  
4- کتاب " هنر در قلمرو مکتب"، جواد محدثی

ب- روش آشنایی و آموزش سایر مفاهیم دینی و مذهبی(نماز ،قرآن و......)

دانشمندان و پژوهشگران امر تربیت، بهترین و مؤثرترین راهکار وصول به هدف‏هاى مطلوب تربیتى، به خصوص در امر تربیت کودکان را پنج چیز مى‏دانند:  
أ) استفاده از روش الگویى یا آموزش رفتارى به جاى گفتارى‏.  
ب) تقویت روحیه برترگرایى یا کمال طلبى‏.  
ج) تشویق و تمجید.  
د) استفاده از مکان‏هاى مقدس و شعایر مذهبى‏.  
ه') استفاده از طبیعت در بیدار سازى حس مذهبى‏.

ا) روش الگویى:  
روش الگویى بهترین، مؤثرترین و طبیعى‏ترین وسیله براى انتقال ارزش‏هاى اخلاقى و فرهنگى در خانواده است. باید به جاى گفتار و پند و نصیحت، با رفتار و عمل خویش آموزش دهیم . جوّ خانه را چنان کنیم که زندگى در آن فضاى تربیتى به تربیت فرزندان کمک کند. چون فرزندان بسان درختانى هستند که در آب و خاک خانه رشد مى‏کنند .معمولاً متناسب با همان آب و خاک میوه مى‏دهند.  
تقلید والدین به نماز اول وقت، انجام عبادت در مکان مشخص و ثابتى در منزل، استفاده از سجّاده، پوشیدن لباس نظیف و معطر، باعث قداست و معنویت بیش تر عبادت و جذب و گرایش فرزندان به این فریضه الهى مى‏گردد.  
ب) معرفى الگوهاى برتر و تقویت روحیه برترگرایى:  
یکى از ویژگى‏هاى فطرى و امیال درونى انسان «روحیه برترگرایى» و یا «کمال‏طلبى و جمال گرایى» است. انسان به هر کارى، شغلى، علمى و مقصدى و حتى بازى علاقه داشته باشد ،به «برترین‏ها و قرمانان» آن گرایش و علاقه دارد. با استفاده از ادبایت کودکانه انسان هایى را که «عبادت» و علاقه به نماز و فرهنگ آن، باعث جاودانگى نان درتاریخ بشر و محبوبیت آن ها نزد خدا و انسان‏هاى شریف شده است. معرفى کنید.  
ج) تشویق:  
جهت خوشایندسازى دین و مفاهیم و رفتارهاى دینى باید از ابزارهاى مختلف تشویق کلامى و غیر کلامى به خصوص در نظار دیگران بهره جست.  
د) استفاده از مکان‏هاى مقدس:  
بردن کودک به مساجد و مجالس جشن مذهبى و عزادارى و شنیدن صداى قرآن با صوت دلنشین، و دیدن اقامه نماز بزرگ ترها و مشاهده زمزمه‏هاى عاشقانه انسان‏ها در تلطیف روح کودکان مؤثر است.  
ه') استفاده از طبیعت در بیدارى حس مذهبى کودک:  
طبیعت سرشار از زیبایى‏ها و پاکى‏ها است. هر قدر افراد، از جامعه آلوده فاصله بگیرند و به همان نسبت به مشاهده داشت و بیابان و دامن طبیعت نزدیک شوند، به صفا و پاکى فطرت نزدیک مى‏شوند. آنان با نگاه کردن به ستارگان و ماه و مهتاب و کوه‏ها و صخره‏ها و آبشارها و جویبارها و حیوانات زیبا همانند پرندگان و ماهیان دریا، ضمن دیدن و آشنا شدن با نشانه‏ها و نعمت‏هاى الهى، و پیدا کردن نشاط و سرور روحى و دست یافتن به لذت‏هاى طبیعى، از غفلت‏ها و آلودگى هایى که جامعه امروزى براى کودکان و نوجوانان و جوانان فراهم کرده است، دور مى‏مانند، در نتیجه فطرت خدا جویى آنان در مسیر طبیعى رشد پیدا مى‏کند . با یک تلنگر و اشاره مى‏توان آنان را به نماز و عبادت و تسبیح موجودات جهان بر اساس «یسبح للّه ما فى السموات و الارض» آشنا و مأنوس کرد.  
بازنگرى در برخى مؤلفه‏هاى ذکر شده‏  
والدین به خصوص مادران زیادى گله‏هاى خود را از فرزندان‏شان این گونه بیان مى‏کنند: کودکان ما قبل از این که به سن بلوغ برسند، در انجام فرائض دینى از ما پیشى مى‏گیرند، ولى وقتى به سن تکلیف مى‏رسند، در انجام فرائض دینى دچار سستى شده و در مواردى از انجام آن خوددارى مى‏کنند. وقتى بزرگ ترها از آنان مى‏پرسند که آیا نماز خود را خوانده‏اید، متوسل به دروغ شده، مى‏گویند خوانده‏ایم.  
برخى به این عقیده‏اند که اگر کودکان، پدران و مادران خود را الگو قرار بدهند و بزرگ‏ترها همه در انجام وظایف دینى اهتمام و مراقبت کافى داشته باشند، خود به خود کودکان از آنان تبعیت خواهند کرد.  
اما باید اعتراف کرد در خانواده‏هایى که پدران و مادران با اهتمام و دقت، در اول وقت به نماز مى‏پردازند، نیز این مشکل وجود دارد.  
بررسى‏ها نشان مى‏دهد که در چنین مواردى مقصر اصلى والدین و خانواده‏اند، زیرا آن چه را به فرزندان خویش آموخته‏اند، شکل ظاهرى نماز خواندن بوده است.  
بدیهى است در دوره کودکى، اساس یادگیرى کودکان بر پایه تقلید است.  
کودکان در دوران کودکى، حرکات پدران و مادران خود را تقلید مى‏کنند و انجام مى‏دهند . والدین گمان مى‏کنند آن‏ها با علاقه و عشق به خواندن نماز مى‏پردازند. البته ممکن است با عشق و علاقه عبادت کنند اما عشقى احساسى، عاطفى و بر پایه تقلید، نه مبتنى بر معرفت و آگاهى. طبیعى است وقتى کودک دوره تقلید را پشت سر مى‏گذارد و در سنین بلوغ به تفکر و اندیشه مى‏پردازد، همه امورى را که قبلاً بر اساس تقلید انجام داده، یکى پس از دیگرى رها مى‏سازد. پدر و مادر ناگهان احساس مى‏کنند که کودک نماز خواندن دیروز، امروز از نماز خواندن خوددارى مى‏کند. علت آن است که پدران و مادران به جاى بیدار ساختن حس دینى و مذهبى در کودکان، به عقل تقلیدى فرزندان خود دلشاد گشته و باور کرده بودند وظیفه خود را انجام داده‏اند.  
بنابراین اگر چه روش‏هاى الگویى و تقلیدى و تشویقى در بُرهه‏اى از زمان مفید و مؤثر است، اما همیشه کارساز نیست، بلکه باید در عرض یا طول آن‏ها (به تناسب استعدادهاى متفاوت بچه‏ها) و از راه بیان حکمت‏ها و هدف‏هاى آفرینش و عبادت‏ها با رعایت ادبیات کودکانه، حس دینى و مذهبى آنان را بیدار و آگاه ساخت.

بخش سوم :راه های تقویت اعتماد به نفس کودکان  
الف ـ‌همواره سعی نمایید که در برخورد با کودکان و نوجوانان توانمندی های آن ها را مدنظر قرار دهید، نه ضعف ها و ناتوانایی‌آن ها را.پس باید با این نگاه برای شکوفایی استعدادهای بالقوه‌ شان تلاش کرد. از جمله این که محیط خانه، مدرسه و محله کودک را به صورت صحنه‌هایی از نمایش به فعلیت رسیدن مهارت ها و استعدادهای بالقوه او درآورد.

ب ـ برای نوجوانان و جوانان تجارب خوشایندی از فعالیت‌های مستقل و آزاد فراهم نمایید:  
به آن ها فرصت دهید تا با فعالیت‌های مستقل، احساس مسؤولیت و مراقبت از خویشتن را بیابند. برای این کار ایجاد انگیزه‌های لازم برای تحرک و فعالیت‌های داوطلبانه بسیار با اهمیت است. آنچه مهم است، این که نظارت بزرگسالان به معنای دخالت مدام ایشان در فعالیت‌ها و امور نوجوانان نباشد.  
ج ـ تجارب موفقت‌آمیز کودکان و نوجوانان را افزایش دهید:  
یکی از مهم‌ترین عوامل تقویت حس اعتماد به نفس در کودکان و نوجوانان، به ویژه نوجوانان کمرو و یا ناموفق، فراوانی موفقیت‌های آن ها در انجام فعالیت‌‌های مختلف می‌باشد. پس لازم است برنامه‌های آموزشی و فعالیت‌هایی که برای آن ها پیش ‌بینی می‌شود به گونه‌ای تهیه و تنظیم گردد که با سعی و تلاشی که از خود نشان می‌دهند، موفق به انجام آن ها بشوند.  
د ـ قدرت تحمل کودکان و نوجوانان را برای مواجه شدن با ناکامی‌های احتمالی افزایش دهید:  
بدون تردید، علی رغم همه تمهیدات و برنامه‌ریزی‌های مناسب، فردی که دارای اعتماد به نفس ضعیف است و یا از توان ذهنی مطلوب و مهارت‌های لازم اجتماعی برخوردار نیست، در زندگی خانوادگی، آموزشگاهی، و اجتماعی به دلایل گوناگون در انجام فعالیت‌های متنوع بعضاً با تجارب ناخوشایندی از ناکامی‌ها و شکست‌ها مواجه خواهد شد. والدین و مربیان می‌بایست از این قبیل تجارب نهایت استفاده را بنمایند . با تشویق و ترغیب نوجوان به سعی و تلاش دوباره، مسئله ناکامی او را به سکوی پرش و جهشی تازه تبدیل کنند.  
هـ ـ رفتار مصمم و مطمئن و در عین حال مطلوب کودکان و نوجوانان را تقویت نمایید:  
ترغیب و تقویت رفتار کلامی و غیر کلامی مطمئن کودک یا نوجوانی که دچار کمرویی و یا ضعف شخصیت است، اعتماد به نفس او را بیش تر خواهد کرد. نظریات محکم و قاطع او را درباره مسائل مختلف باید محترم شمرد (البته به نحوی که موجب رنجش و آزردگی خاطر دیگران نشود) . نیز جرأت او را در بیان صریح افکار و آرای خود در شرایط و موقعیت‌های مختلف تقویت کرد.  
و ـ کودکان و نوجوانان را در کنترل احساسات و عواطف خود یاری کنید:  
کودکان و نوجوانان کمرو و گاه با شرایط و فعالیت‌هایی مواجه می‌گردند که به شدت آن ها را متأثر می‌سازد. در چنین مواقعی کنترل عواطف و خویشتن‌داری برای مقابله با مسئله‌ای که با آن روبرو هستند، بسیار مهم است. بدیهی است در این شرایط نظارت و راهنمایی بزرگسالان کاملاً ضروری خواهد بود.  
ز ـ کودکان و نوجوانان کمرو و فاقد اعتماد به نفس، به تقویت مهارت‌های اجتماعی خود فوق‌العاده نیاز دارند.  
توان برقراری و حفظ ارتباط مثبت با دیگران موجب افزایش احساس ارزشمندی اجتماعی و بالطبع اعتماد به نفس کودکان و نوجوانان می‌شود.  
والدین و به خصوص مربیان مدارس باید کوشش کنند که کودکان و نوجوانان کمرو و ضعیف با تعداد قابل توجهی از همسالان و همکلاسی‌های خود مأنوس شده،‌رابطه دوستانه و متقابل برقرار نمایند. برقراری و حفظ چنین ارتباط دوستانه‌ای، برای رشد و شکوفایی شخصیت و نشاط و سرزندگی این نوجوانان امری کاملاً ضروری است.  
ح ـ کودکان و نوجوانان نیاز دارند که با الگوهای رفتاری مطلوب آشنا شوند:  
همه ما به الگوهای رفتاری نیاز داریم. از نظر تعلیم و تربیت، مدل‌ها و الگوهای رفتاری از نقش و اهمیت بسزایی برخوردار هستند. وجود الگوهای رفتاری در انسان، انگیزه رشد، حرکت و تعالی وجود ایجاد کرده، موجب شکوفا شدن ابعاد مختلف شخصیت می‌شود. به طور کلی انسان در هر موقعیت و درجه‌‌ای از رشد که باشد باز هم نیازمند به الگوها و اسوه‌های رفتاری است. علاوه بر معصومین(ع)، که کامل‌ترین اسوه‌ها و الگوهای رفتاری برای همه انسان ها، در همه عصرها و نسل‌ها می‌باشند، تمامی انسان‌های رشد یافته پیرو آنان نیز در زندگی و رشد و تعالی شخصیت انسان به ویژه کودکان بسیار مهم است.

برای مطالعه در مورد تربیت فرزند نیز می توانید به کتاب های زیر مراجعه کنید:  
1ـ والدین و مربیان مسئول؛ فرهادیان، ؛ قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی (بوستان کتاب)، 1377.  
2ـ کودک در مکتب اهل بیت ، نوشته مرحوم محمد تقی فلسفی .  
3ـ تربیت کودک در جهان امروز؛ بهشتی، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، 1377.  
4ـ حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت(ع)؛ طبسی، با مقدمه آیت الله معرفت، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، 1376.  
5ـ راهنمای پدران و مادران و شیوه های برخورد با کودکان، سادات، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1372.  
6\_ریحانة بهشتی یا فرزند صالح.

پی‌نوشت‌ها:  
1. رضا فرهادیان، والدین و مربیان مسئول، ناشر، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی - قم ، ص 39.  
2.نهج البلاغه، ترجمه فیض الاسلام ، نامة 31.  
3. دکتر افروز - روان شناسی و تربیت کودکان و نوجوانان ، ناشر ، انتشارات انجمن اولیا و مربیان ، چاپ نهم ، ص 9.  
4.نهج الفصاحه ، کلمهء 451.  
5.عبدالعظیم کریمی ( و رضا فرهادیان ، دکتر غلامعلی حدادعادل ، دکتر فرخنده مفیدی )، آنچه درباره کودک و نوجوان باید بدانیم ، ناشر، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی - قم ، ج7 ، ص 77.  
6. همان، ص 76.  
7. همان ، ص 87.